

حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی

امید رستمی غازانی*

چکیده

حق برخورداری از وکیل، یکی از حقوقی است که در نظام‌های دادرسی کشورهای مختلف و در اسناد بین‌المللی حقوق بشری پذیرفته شده است. این نوشتار در صدد است به بررسی حق برخورداری متهم از وکیل در محاکمات کیفری دادگاه‌های بین‌المللی بپردازد. در این راستا به بررسی این حق در محاکمات کیفری دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته شده است. تبیین ضرورت رعایت حق برخورداری از وکیل به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر، اصل برائت و تساوی سلاح‌ها، موضوع قسمت نخستین این تحقیق است. با عطف به اهمیت این حق در راستای حمایت از منافع شخصی متهم و منافع جامعه جهانی (در محاکمات بین‌المللی)، لازم است که وکلا از صلاحیت علمی و فنی لازم برخوردار باشند؛ از این‌رو شرایط و ضوابطی برای احراز سمت وکالت در دادگاه‌های بین‌المللی پیش‌بینی شده که موضوع قسمت دوم این نوشتار است. حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی دادگاه‌ها و نیز در مراحل پس از صدور حکم، موضوع قسمت سوم این تحقیق است. در قسمت چهارم نیز به این حق به‌عنوان حقی مرکب که شامل مصادیق مختلف است پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حق برخورداری از وکیل، حقوق بشر، محاکمات کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران.

مقدمه

با ارتکاب جرایم هولناک در طول قرن بیستم، به تدریج جامعه جهانی به فکر محاکمه مرتکبین این جرایم افتاد. هرچند که در سابق ممکن بود مرتکبین این جرایم تحت عناوین جزایی حقوق داخلی محاکمه شوند، این امر محدود و تا حد بسیار زیادی تابع ملاحظات سیاسی بود. از این رو از اواسط قرن بیستم، شاهد شکل‌گیری محاکم کیفری بین‌المللی برای محاکمه مرتکبین جرایم علیه صلح و امنیت بین‌المللی هستیم که تشکیل محاکم نورنبرگ و توکیو در اواسط قرن بیستم در این راستا بوده است. درعین حال شاید جای شگفتی باشد که تولد نخستین اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به این دوران برمی‌گردد. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این تقارن بین ضرورت محاکمه مرتکبین جرایم و جنایات بین‌المللی و ضرورت رعایت قواعد و الزامات حقوق بشری، می‌تواند به معنای ضرورت محاکمه جنایتکاران بین‌المللی با رعایت الزامات حقوق بشری باشد. ضرورت رعایت الزامات حقوق بشری در محاکمات کیفری بین‌المللی باتوجه به جنبه غالب سیاسی این محاکمات واجد اهمیت بسیار است و برای اقناع اعضای جامعه جهانی بر اینکه شخص، نه به جهت اقتضائات سیاسی، بلکه به جهت رعایت مقررات بین‌المللی محاکمه می‌شود، رعایت الزامات حقوق بشری و دادرسی منصفانه ضرورت پیدا می‌کند.

یکی از حقوقی که از قدیم‌الایام مطرح بوده و در دهه‌های اخیر با رواج فرهنگ حقوق بشر نیز بیشتر مطرح شده است، «حق برخورداری از وکیل» است. اصل امکان مداخله وکیل در جریان محاکمات به دوران باستان بر می‌گردد، آن گونه که در یونان قدیم، بسیاری از افراد به دلایلی چون بی‌اطلاعی از مقررات یا نداشتن قدرت بیان به یکی از خویشاوندان مورد اعتماد خود که دارای حسن بیان و قدرت استدلال بود نمایندگی می‌دادند تا به جای آنان و برای آن‌ها دادخواهی نماید و به چنین اشخاصی آدوکاتوس^۱ می‌گفتند^۲. ولی به هر حال شناسایی آن به منزله یک حق که عدم رعایت آن می‌توانست موجب تشکیک در صحت و درستی دادرسی باشد قرن‌ها به طول کشید. البته شناسایی این حق در نظام‌های حقوق داخلی نیز در زمان واحدی نبود و این شناسایی در خصوص نظام‌هایی که از سیستم اتهامی تبعیت می‌کردند، نسبت به نظام‌های تفتیشی زودتر صورت گرفت و در نظام‌های

۱. advocatus

۲. بی‌نام، تحولات نود ساله وکالت دادگستری در ایران، نشر کشاورز، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۱.

مختلط که در آن، مرحله تحقیقات مقدماتی از اصول نظام تفتیشی و مرحله تحقیقات نهایی از اصول نظام اتهامی تبعیت می‌کند، پذیرش حق برخورداری از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی دیرتر و به تدریج پذیرفته شده است. به هنگام مذاکرات مقدماتی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، هر کدام از کشورهای پیشرفته نظام کامن‌لا و نظام حقوق نوشته معتقد بودند که به دلیل شایستگی‌های نظام‌های دادرسی آن‌ها، تعیین رژیم منصفانه و عادلانه دادرسی برای محاکمات اساسنامه و در حقیقت برای کلیه محاکمات جهانی مرتبط با جنایات بین‌المللی باید از اصول و قواعد آن‌ها استفاده شود.^۱ در مجموع باید گفت که رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی به شیوه دادرسی اتهامی که قرابت بیشتری با نظام حقوقی کامن‌لا دارد، صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر تحولات نظام‌های دادرسی و تلاش آن‌ها برای «برابری سلاح‌ها بین متهم و مقام تعقیب» همواره مورد توجه تدوین‌کنندگان اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی بوده است.^۲ در این میان شناسایی «حق برخورداری از وکیل» برای متهم و ایجاد بستر مناسب برای دفاع کارآمد توسط وکیل از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تحقق تساوی سلاح‌ها در راستای تحقق دادرسی عادلانه است.

۱- ضرورت رعایت حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی

امروزه به دلیل پیچیدگی امور اجتماعی، قوانین و مقررات اجتماعی نیز به تبع آن، پیچیده شده است که نتیجه عملی این امر، عدم آشنایی کافی شهروندان جامعه با مقررات و به تبع آن، عدم توانایی کافی آنان برای دفاع از خود در محاکم دادگستری است. مداخله وکیل برای دفاع از حقوق اصحاب دعوا نه تنها در راستای دفاع از حقوق فردی اصحاب دعوا تلقی می‌شود، بلکه گامی در راستای دفاع از منافع جامعه از طریق فرایند دادرسی مبتنی بر نظم و انضباط است.

پیش‌بینی حق برخورداری از وکیل را آن گونه که برخی از حقوق‌دانان مطرح کرده‌اند باید از آثار و لوازم «اصل برائت» یا «فرض برائت» دانست.^۳ در نتیجه رعایت حق احترام به اصل برائت، اقتضای پیش‌بینی حق برخورداری از وکیل را موجب می‌شود.

^۱ . جعفری، فریدون، نقش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در جهانی‌سازی حقوق کیفری و چالش‌های آن، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹.

^۲ . صابر، محمود، نظام دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹.

^۳ . آشوری، محمد، عدالت کیفری، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲؛ باقر سرمست بناب، اصل برائت در حقوق کیفری، دادگستر، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۳.

توجه به بند (الف) ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌تواند مؤیدی بر این امر باشد. به موجب این بند، «هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تصیر وی قانوناً محرز گردد». هرچند در این بند اشاره صریحی به حق برخورداری از وکیل نشده است، اشاره به برخورداری از «تضمین‌های لازم برای دفاع» این قابلیت را دارد که بتوان از آن، حق برخورداری از وکیل را نیز استنباط کرد.

اشاره میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به حق برخورداری از وکیل به‌عنوان یکی از تضمینات ضروری برای اثبات اتهام است. مطابق بند ۳ ماده ۱۴ میثاق «در رسیدگی به هر اتهام کیفری علیه متهم، هر شخص در برابری کامل، محق به حداقل تضمیناتی که در پی می‌آید است: ... د - در محاکمه حاضر شده و از خودش شخصاً یا از طریق وکیل انتخابی دفاع کند. اگر از وکیل برخوردار نباشد از این حق مطلع شود و در هر موردی که منافع عدالت اقتضا کند از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل انتخاب شود. در چنین موردی اگر دارایی او برای پرداخت حق‌الوکاله کافی نباشد بدون پرداخت حق‌الوکاله باشد».

اصل براءت به‌صراحت در بند ۳ ماده ۲۱ «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق»، بند ۳ ماده ۲۰ «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا» و بند ۱ ماده ۶۶ «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» پیش‌بینی شده است. این امر می‌تواند به معنای ضرورت پیش‌بینی حق برخورداری از وکیل نیز باشد.^۱

در خصوص دیوان کیفری بین‌المللی، ضرورت تبعیت از حقوق بشر در بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه این دیوان پیش‌بینی شده است. به موجب این بند، «اجرا و تفسیر حقوقی که در این ماده پیش‌بینی شده است باید با حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی سازگار بوده و بدون هر گونه تبعیض در ملاحظات چگونگی تعریف‌شده در بند ۳ ماده ۷، سن، نژاد، زبان، مذهب یا اعتقادات، عقیده سیاسی یا غیر سیاسی، خاستگاه قومی یا اجتماعی، ثروت، ولادت و وضعیت‌های دیگر باشد». این بند بیانگر لزوم توجه به حقوق بشر در زمینه اجرا و تفسیر قواعد دیوان کیفری بین‌المللی است که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن، اصل براءت خواهد بود. بنابراین با فرض اینکه حق برخورداری از وکیل به‌صورت خاص در آن تصریح نمی‌شد، با تمسک به این قاعده

^۱ البته در اساسنامه‌های مذکور به‌صورت صریح به حق برخورداری از وکیل نیز اشاره شده است که در قسمت‌های بعدی به آن‌ها اشاره خواهد شد.

کلی، امکان احراز لزوم احترام به اصل برائت و لوازم آن از جمله حق برخورداری از وکیل وجود داشت. لزوم تبعیت از قواعد حقوق بشر به عنوان قاعده‌ای کلی در اساسنامه‌های سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مطرح نشده است ولی در اساسنامه‌های آن‌ها کم‌وبیش به برخی از مصادیق حقوق بشر اشاره شده است. آن گونه که گفته شده است، این امر به معنای معافیت از اعمال قواعد حقوق بشری نخواهد بود، چرا که ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی که منابع حقوق بین‌الملل را معرفی می‌کند، از معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی به عنوان منابع مستقیم حقوق بین‌الملل یاد می‌کند و دیوان دادگستری بین‌المللی در نظریه مشورتی خود که در سال ۱۹۵۱ مطرح می‌کند، سازمان‌های بین‌المللی را ملزم به تبعیت از قواعد کلی حقوق بین‌الملل عرفی می‌داند.^۱ البته این امر به معنای آن نیست که در خصوص تعمیم اصول دادرسی عادلانه به محاکمات کیفری بین‌المللی، تعهدی برای دولت‌ها وجود دارد تا این تضمینات را در سطح بین‌المللی توسعه دهند،^۲ بلکه این امر به جهت لزوم تبعیت دیوان کیفری بین‌المللی از عرف بین‌المللی است و آن گونه که برخی از حقوق‌دانان مطرح کرده‌اند اصل محاکمه عادلانه اکنون به صورت قاعده آمره در آمده است. اگرچه در این خصوص نمی‌توان به رویه دولت‌ها در تأیید این اصل اشاره کرد، اصرار دولت‌ها در معاهدات بین‌المللی و رویه قضایی متعددی که بر این اصل تأکید می‌کند، مؤید این نظر است که این اصل، قاعده آمره حقوق بین‌الملل است.^۳

تلفی حق برخورداری از وکیل به عنوان یکی از آثار و لوازم اصل برائت، زمینه را برای طرح آن به عنوان یکی از قواعد الزام‌آور عرف بین‌المللی فراهم می‌کند، هرچند که شاید نتوان به استناد عرف بین‌المللی، حدود و شرایط حق برخورداری از وکیل را تعیین کرد.

دبیرکل وقت سازمان ملل در گزارش خود برای ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق اعلام می‌دارد که این دادگاه به صورت کامل به حقوق شناخته شده

^۱. Croquet, Nicolas A.J., The International Criminal Court and the Treatment of Defence Rights: A Mirror of the European Court of Human Rights' Jurisprudence, *Human Right Law Review*, ۲۰۱۱, ۱۱:۱, p.p. ۹۷&۹۸.

^۲. زاپالا، سالواتور، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین آقایی جنت‌مکان، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۸۷، صص ۷ و ۸.

^۳. کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین پیران و دیگران، جنگل، تهران، ۱۳۸۷، صص ۴۸۹.

بین‌المللی برای متهم در تمامی مراحل دادرسی احترام خواهد گذاشت^۱ و این به معنای تمایل سازمان ملل متحد برای بسط اصول دادرسی منصفانه به محاکمات کیفری بین‌المللی است.

مداخله وکیل در زمینه محاکمات کیفری بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در زمینه رعایت سایر الزامات مربوط به حقوق بشر و دادرسی منصفانه داشته باشد، به‌ویژه باتوجه‌به این امر که در مقابل نقض حقوق بشر که قابل انتساب به دادگاه‌های موقت یا دیوان کیفری بین‌المللی باشد، حق تجدیدنظرخواهی وجود ندارد. به‌ویژه هیچ حقی برای اشخاص وجود ندارد تا به‌طور مستقیم علیه دیوان‌های موقت یا دیوان کیفری بین‌المللی اقامه دعوا نمایند، چرا که نهادهای مزبور، عضو هیچ یک از کنوانسیون‌های حقوق بشری و نظام‌های نظارتی نیستند.^۲ نمونه عملی این نقض قواعد دادرسی منصفانه را می‌توان در دادگاه توکیو مشاهده کرد. به‌عنوان نمونه دادیاران از تاریخ دستگیری متهمان بدون حضور وکیل مدافع، بارها از آن‌ها بازپرسی کردند. برای مثال از توئیو (یکی از متهمان) ۵۱ بار بدون حضور وکیل مدافع بازپرسی شده بود. وکیل سوگامو یکی دیگر از متهمان، تنها یک هفته قبل از تهیه کیفرخواست توانست با موکل خود ملاقات کند.^۳ البته لازم به ذکر است که این امر در حالی بود که حق برخورداری از وکیل در بند (ج) ماده ۹ منشور نورنبرگ پیش-بینی شده بود.

علاوه بر مطالب مطروحه که بیشتر ناظر به ضرورت حقوقی مداخله وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی است، به‌لحاظ ملاحظات عملی نیز مداخله وکیل، واجد اهمیت ویژه است. باتوجه‌به اینکه ارائه دفاع کارآمد در این دادگاه‌ها علاوه بر آشنایی با فرآیند دادرسی این دادگاه‌ها و مقررات حاکم بر آن، مستلزم اطلاعات گسترده در زمینه حقوق کیفری و حقوق بین‌المللی است، حتی صرف اطلاع از مقررات حقوق داخلی برای این امر کفایت نمی‌کند. از سوی دیگر نظام دادرسی حاکم بر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و از جمله دیوان کیفری بین‌المللی به‌نوعی مرکب از قواعد حاکم بر نظام‌های حقوقی نوشته و کامن‌لا است و در واقع در رقابت بین کشورهای دارنده نظام حقوقی نوشته و نظام حقوقی کامن‌لا است که هر کدام سعی در واردکردن

^۱. Beresford, Stuart & Lahiouel, Hafida, The Right to be Defend in Person or Through Legal Assistance and International Criminal Court, *Journal of International Law*, ۲۰۰۰, ۱۳, p. ۹۵۳.

^۲. زاپالا، همان، ص ۱۲.

^۳. فیوضی، رضا، حقوق بین‌المللی کیفری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷.

نظام حقوقی خود به مقررات مربوط به این دادگاه‌ها داشتند. بخشی از مقررات هر کدام از نظام‌های حقوقی مزبور، وارد آیین دادرسی هر کدام از این محاکم شده است که نتیجه عملی آن، پیچیدگی بیشتر مقررات این دادگاه‌ها در مقایسه با مقررات حاکم بر دادگاه‌های ملی است. علاوه بر این‌ها باید مشکلات مربوط به جمع‌آوری ادله اثبات را برای دفاع در مقابل ادله ارائه‌شده توسط دادستان مدنظر قرار داد. بالاخص باتوجه به فاصله مکانی که عموماً بین مقر دادگاه و محل ارتکاب جرم وجود دارد این مشکلات مضاعف می‌شود. از سوی دیگر با توجه به شدت جرایمی که در صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است، در صورت دسترسی به متهمان، آن‌ها عمدتاً بازداشت شده و همین امر امکان جمع‌آوری ادله را دشوار می‌کند. چنین وضعیتی می‌تواند منتهی به نقض «برابری سلاح‌ها»^۱ شود، از این‌روست که عده‌ای مطرح کرده‌اند که مفهوم برابری در سلاح‌ها اقتضا می‌کند که شخص متهم در دفاع شخصی (و نه از طریق وکیل) در مقابل جرایم جنگی، حق مطلق نداشته باشد^۲ و باز از این‌روست که در مقررات مربوط به دادگاه‌های کیفری پیش‌بینی شده است که حتی در مواردی که خود متهم از معرفی وکیل خودداری کرده و درخواستی را هم برای تعیین وکیل معاضدتی نداده است در راستای حفظ مصالح عدالت، اقدام به تعیین وکیل برای متهم نمود.

در خاتمه این قسمت لازم به ذکر است که اهمیت حق برخورداری از وکیل از منظری دیگر نیز در حقوق بین‌الملل مطرح شده است. از جمله به‌موجب ماده ۳۶ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در روابط کنسولی، از حق برخورداری از معاضدت حقوقی به‌عنوان یکی از حقوق متهمین اتباع بیگانه یاد شده است و در همین راستا نیز دعاوی بین دولت‌ها مطرح شده است که از جمله می‌توان به پرونده لاگرنه که بین دولت آلمان و آمریکا در دیوان دادگستری بین‌المللی مطرح شده اشاره کرد. در این پرونده دیوان در رأی ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ خود در بند ۹۱ تصریح دارد به اینکه هرچند در نهایت برای متهم وکیل تعیین شده است، به‌علت عدم تطابق مقررات داخلی آمریکا با تعهدات بین‌المللی این کشور، وکیل نتوانسته محکومیت و مجازات متهمین را فراتر از قانون اساسی آن کشور مورد بحث قرار دهد و از این‌رو این حق به‌صورت

^۱ equality of arms

^۲ Scharf, Michael P, Self Representation Versus Assignment of Defence Counsel Before International Criminal Tribunals, *Journal of International Criminal Justice*, ۲۰۰۶, ۴, p.۴۰.

کامل در پرونده محقق نشده و لذا بند ۲ ماده ۳۶ کنوانسیون وین نقض شده است.^۱ در رأی دیگری دیوان در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۴ که بین مکزیک و ایالات متحده آمریکا مطرح شده بود دیوان به تفسیر ماده ۳۶ کنوانسیون وین پرداخته و اشاره کرده است که مأمور کنسولی حق ارتباط با متهم و فراهم کردن معاضدت حقوقی برای وی را دارد اما این دلیل نمی‌شود که خود مأمور کنسولی به‌عنوان وکیل مداخله نماید.^۲

۲- ویژگی ضروری برای وکلا و کارامدی حق برخورداری از وکیل

کارامدی حق برخورداری از وکیل در صورتی خواهد بود که وکیل، اعم از وکیل انتخابی یا وکیل معاضدتی برای انجام دفاع مؤثر از صلاحیت‌ها و توانایی‌های لازم برخوردار باشد. البته این امر مختص به وکالت در دعاوی کیفری بین‌المللی نبوده و در خصوص دعاوی کیفری در سطح ملی نیز لازم‌الرعايه است. به همین دلیل سازمان عفو بین‌الملل بیان کرده است که حق داشتن وکیل به این معناست که فرد، حق دارد وکیل با صلاحیت داشته باشد و تمامی دولت‌ها باید تضمین کنند که وکیل تسخیری باید لایحه دفاعیه مؤثری را جهت دفاع از مظنونین و متهمین تقدیم نماید. فرد دستگیرشده یا بازداشت‌شده یا متهم به جرم کیفری حق دارد وکیلی باتجربه و باصلاحیت متناسب با ماهیت جرم انتسابی را به‌منظور دریافت مساعدت حقوقی مؤثر داشته باشد.^۳ در واقع هدف از تعیین وکیل، نه صرف حضور و مداخله وی در فرایند دادرسی، بلکه دفاع کارآمد از حقوق متهم و سایر اصحاب دعوا و تلاش در راستای تحقق عدالت است که این امر مستلزم آن است که نه تنها وکیل از امکانات لازم برای این امر، بلکه علاوه بر آن از صلاحیت‌ها و توانایی‌های علمی و فنی لازم و نیز سلامت اخلاقی برخوردار باشد.

بحث صلاحیت و توانایی‌های وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی باتوجه‌به پیچیدگی‌های این محاکمات از اهمیت بیشتری برخوردار است. اما این امر در خصوص نخستین محاکمات کیفری بین‌المللی چندان مورد توجه نبود. در قسمت دوم ماده ۲۳ منشور نورنبرگ پیش‌بینی شده بود که هر کسی که صلاحیت حرفه‌ای برای وکالت دعاوی را در کشور خود داشته باشد یا هر کسی که به‌صورت خاص از

^۱. Germany v. United States of America, International Court of Justice, ۲۷ June ۲۰۰۱.

^۲. Mexico v. United States of America, International Court of Justice, ۳۱ March ۲۰۰۴.

^۳. سازمان عفو بین‌الملل، دادرسی عادلانه، ترجمه: فریده طه و لیلا اشرفی، میزان، تهران، ۱۳۸۶، ص ۶۰.

جانب دادگاه برای این امر تعیین شود حق وکالت در محکمه نورنبرگ را می‌داشت. بدیهی است که صرف قناعت به صلاحیت‌های لازم برای وکالت در محاکم ملی یا دادن اختیار به دادگاه برای تعیین کسی که حتی صلاحیت وکالت در محاکم ملی را ندارد ولی با این حال دادگاه او را به‌عنوان وکیل واجد صلاحیت می‌داند، برای ارائه دفاع کارآمد و مؤثر کفایت نمی‌کند.

در بند (ج) ماده ۹ منشور توکیو هم پیش‌بینی شده بود که هر متهمی می‌بایست حق برخورداری از وکیل انتخابی خود را داشته باشد. اما در ادامه آمده بود که مگر اینکه صلاحیت چنین وکیلی در هر زمانی توسط دادگاه رد شود. پیش‌بینی امکان رد وکیل توسط دادگاه، آن هم در هر زمان و بدون ذکر دلیل رد و اساساً ذکر اینکه وکیل، کدامیک از ویژگی‌ها و خصوصیات را بایست می‌داشت که در صورت فقدان آن، دادگاه بتواند عدم صلاحیت او را اعلام کند قابلیت سوءاستفاده را باز می‌گذارد. در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو از یک سو سعی شده بود که در راستای رسیدگی منصفانه‌تر از قواعد نظام ترافیعی استفاده شود و این امر اقتضای آن را داشت که وکلا با قواعد نظام اتهامی آشنا باشند در حالی که وکلا عمدتاً از کشورهای حقوق نوشته بودند و به نظامی که بتواند آن‌ها را به انجام تحقیقات وادار نماید عادت نداشتند.^۱ این موارد می‌تواند گواه مناسبی بر عدم کفایت به آشنایی به نظام حقوقی ملی باشد. در همین راستاست که در خصوص دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا شرایطی برای وکلا پیش‌بینی شده است.

مقررات مربوط به شرایط وکلا در دادگاه یوگسلاوی سابق در ماده ۴۴ و ۴۵ قواعد دادرسی و ادله ذکر شده است. ماده ۴۴ اختصاص به شرایط مقرر برای وکیل انتخابی توسط مظنون و متهم دارد و ماده ۴۵ اختصاص به شرایط مربوط به تعیین وکیل معاضدتی برای مظنون و متهم دارد. در ماده ۴۴ شرایط متعددی برای وکیل انتخابی مقرر شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: وکیل می‌بایست صالح برای کار در قلمرو دولت خود باشد یا استاد حقوق دانشگاه باشد. بنابراین ضرورتی ندارد که وکیل در کشور خود، ذی‌صلاح برای وکالت باشد و وجود یکی از این دو شرط کفایت می‌کند.

شرط مهم دیگر برای وکیل انتخابی آن است که او مهارت نوشتاری و شفاهی، حداقل در یکی از زبان‌های کاری دیوان یعنی انگلیسی یا فرانسه را داشته باشد. البته در صورت اقتضای عدالت، دبیرخانه دیوان می‌تواند اجازه دهد که کسی که با

^۱. زاپالا، همان، صص ۲۵ و ۲۶.

هیچ‌یک از زبان‌های کاری دیوان، آشنایی نداشته باشد به شرط تقاضای مضمون یا متهم و به شرط آنکه وکیل با زبان بومی موکل آشنا باشد، انتخاب شود. البته دبیرخانه می‌تواند شرایطی را مقرر کند از جمله اینکه وکیل یا متهم، هزینه‌های ترجمه را پرداخت نمایند و اینکه وکیل به این جهت، وقت اضافی نخواهد و به‌رحال مضمون یا متهم، حق اعتراض از تصمیم دبیرخانه را به رئیس دیوان دارد. علاوه بر این، شرایط دیگری چون فقدان سوء پیشینه، عدم مداخله در جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه و عدم فریب در اطلاعاتی که به دیوان ارائه می‌دهد و... نیز پیش‌بینی شده است. در خصوص وکیل معاضدتی علاوه بر شرایط مقرر برای وکیل انتخابی شرایط دیگری نیز پیش‌بینی شده است که از جمله می‌توان به داشتن صلاحیت محرز در حقوق کیفری یا حقوق بین‌المللی کیفری یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا حقوق بشر و نیز داشتن حداقل هفت سال سابقه مرتبط به‌عنوان قاضی، دادستان، وکیل یا در سایر سمت‌های مربوط به رسیدگی‌های کیفری اشاره کرد. علاوه بر این، چنین وکیلی باید تمایل خود را برای تعیین به‌عنوان وکیل معاضدتی برای متهمان فاقد دارایی کافی، اعلام کند. این شرایط علاوه بر ماده ۴۵ قواعد دادرسی و ادله در بند (الف) ماده ۱۴ دستورالعمل تعیین وکیل مدافع نیز برای وکیل معاضدتی بیان شده است. دبیرخانه دیوان می‌تواند لیستی از وکلایی را که دارای این شرایط هستند تهیه نموده و برای تعیین وکیل معاضدتی در هر مورد، وکیل موردنظر از میان این لیست انتخاب شود. البته دبیرخانه می‌تواند علاوه بر این لیست، لیستی از وکلایی را که دارای شرایط مقرر برای وکیل معاضدتی هستند در صورت تمایل آن‌ها به‌عنوان «وکیل کشیک»^۱ جهت حضور ابتدایی مضمون تعیین نماید. مشابه مقررات فوق در «قواعد دادرسی و ادله» و «دستورالعمل تعیین وکیل مدافع» دادگاه رواندا نیز وجود دارد. البته لازم به ذکر است که بند (الف) ماده ۱۳ دستورالعمل تعیین وکیل مدافع نیز به شرایط وکیل معاضدتی اشاره کرده است که این شرایط تا حد زیادی مشابه شرایط مقرر در دادگاه یوگسلاوی است.

در خصوص صلاحیت لازم برای وکلایی که در دیوان کیفری بین‌المللی فعالیت می‌کنند باید گفت که مطابق ماده ۲۳ «قواعد دادرسی و ادله» این دیوان، سه شرط پیش‌بینی شده است که برگرفته از شرایط مقرر برای وکلا در محاکم سابق الذکر است. این سه شرط عبارتند از اینکه اولاً - وکیل می‌بایست از صلاحیت محرز در حقوق بین‌الملل یا حقوق کیفری و آیین دادرسی برخوردار باشد. ثانیاً - ضروری

^۱. duty counsel

است که تجربه مرتبط به‌عنوان قاضی، دادستان، وکیل یا موارد مشابه داشته باشد که مطابق ماده ۶۷ «آیین‌نامه‌های دیوان» این تجربه حداقل باید به مدت ۱۰ سال باشد. ثالثاً - وکیل باید دارای دانش برجسته و فصاحت در حداقل یکی از زبان‌های کاری دیوان باشد. به‌نظر می‌آید یکی از ویژگی‌های دیگری که مناسب بود برای وکلای دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی می‌شد، ضرورت آشنایی با عمده نظام‌های اصلی حقوقی است. این امر علاوه بر اینکه به جهت مقررات و ساختار دیوان کیفری بین‌المللی که برگرفته از نظام‌های حقوقی نوشته و کامن‌لا است، اهمیت دارد به این امر برمی‌گردد که مطابق بند ۸ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، قضات دیوان باید بیانگر نظام‌های عمده حقوقی جهان باشند که این امر، ضرورت آشنایی نسبی وکلا با نظام‌های عمده حقوقی در جهت تعامل با قضات دیوان را مطرح می‌کند.

۳- قلمرو حق برخورداری از وکیل

امروزه هرچند حق برخورداری از وکیل در نظام‌های مختلف حقوقی به رسمیت شناخته شده است، در خصوص بازه زمانی که شخص از این حق برخوردار است اتفاق‌نظری بین نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف وجود ندارد. به‌طور کلی می‌توان گفت که حق برخورداری از وکیل و حقوق مرتبط با آن در مرحله رسیدگی دادگاه‌ها زودتر و به‌نحوی گسترده‌تر نسبت به مرحله تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده است. البته امروزه به دلیل ترافی شدن بیش از پیش تحقیقات مقدماتی از یک سو و عدم توانایی بسیاری از متهمین به ارائه دفاعی مناسب در مرحله دادرسی از سوی دیگر و کشف موارد عدیده از اشتباهات قضایی و تضییع حقوق متهمین که خود از موجبات اطاله دادرسی محسوب می‌شود، ضرورت حضور وکیل و ایفاء نقش مؤثر از سوی وی در مرحله جمع‌آوری دلیل مطرح شده است.^۱ این گسترش حق برخورداری از وکیل در تحقیقات مقدماتی را تا حدی می‌توان در محاکمات کیفری بین‌المللی نیز ملاحظه کرد.

در منشور دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو هرچند به‌صراحت به حق برخورداری از وکیل اشاره شده بود، در خصوص حق برخورداری از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری ادله توسط دادستان، اشاره صریحی صورت نگرفته بود و آن گونه که در مباحث قبلی اشاره شد در مواردی بارها از متهمی بدون حضور وکیل بازجویی شده بود و در بند (الف) ماده ۲ قواعد دادرسی محکمه نورنبرگ که به اعلام

^۱. آشوری، همان، ص ۱۵۳.

حق برخورداری متهم از معاضدت وکیل اشاره داشت به آگاه کردن متهم از این حق خود در فاصله زمانی حداقل سی روز قبل از دادرسی اشاره دارد که آنچه از این امر برمی‌آید آن است که غرض اصلی از حق برخورداری از وکیل، برخورداری متهم در مرحله دادرسی است.

در مقررات مربوط به دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا، مقررات صریحی در خصوص تسری حق برخورداری از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی مقرر شده است. قسمت (د) بند ۴ ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و قسمت (و) بند ۴ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه رواندا به حق متهم به دفاع از خود به صورت مستقیم یا از طریق وکیل اشاره دارد و علاوه بر این بند ۳ ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و بند ۳ ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه رواندا به حق مظنون^۱ در برخورداری از وکیل در بازجویی توسط دادستان اشاره دارد. بر این اساس، مظنون حق خواهد داشت که در صورت بازجویی از مساعدت وکیل انتخابی خود و در صورتی که توانایی مالی کافی برای پرداخت حق‌الوکاله را نداشته باشد از مساعدت وکیل معاضدتی بهره‌برد. علاوه بر این در قواعد دادرسی و ادله این دو دادگاه، علاوه بر این حقوق، به حقوق دیگر مظنونین نیز اشاره شده است. مطابق بند (ب) ماده ۴۲ قواعد دادرسی و ادله هر دو دیوان، بازجویی از مظنونین بدون حضور وکیل انجام نخواهد شد مگر آنکه مظنون، داوطلبانه از حق خود صرف‌نظر کند. البته در این صورت نیز اگر بعداً مظنون متمایل به برخورداری از وکیل باشد بازجویی متوقف شده و تنها با حضور وکیل ادامه پیدا خواهد کرد. لازم به ذکر است که تفکیک بین مظنون و متهم در مقررات دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو وجود نداشت و در ادبیات حقوقی آن دادگاه‌ها برای هر دو مفهوم از واژه متهم استفاده شده بود. تفکیک بین مظنون و متهم، خود گامی در راستای احترام هر چه بیشتر به اصل برائت است.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در مواد ۵۵ و ۶۷ خود به حقوق مظنونان و متهمان اشاره دارد. مطابق این مواد، مظنون یا متهم باید از حق برخورداری از وکیل مطلع شده و اگر توان پرداخت حق‌الوکاله را نداشته باشد بتواند از وکیل معاضدتی بهره‌برد. البته در مقایسه با مقررات دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا درباره اینکه اگر در مواردی چون عدم شروع تحقیقات تا زمان حضور وکیل و توقف تحقیقات، متهمی که از حق برخورداری از وکیل انصراف داده، بخواهد از حق خود

^۱. suspect

بهره‌مند شود، ساکت است. بهتر بود در راستای حمایت هر چه بیشتر از حقوق متهم، به چنین مواردی نیز تصریح می‌شد.

اما سؤال دیگری که مطرح می‌شود آن است که حق برخورداری از وکیل تا چه مرحله‌ای ادامه پیدا می‌کند؟ بند (الف) ماده ۸ «کد رفتار حرفه‌ای برای وکیلی که در نزد دادگاه یوگسلاوی سابق حاضر می‌شود» و بند ۱ ماده ۴ «کد رفتار حرفه‌ای برای وکیل مدافع دادگاه رواندا» تصریح دارند به اینکه وکیل باید تا پایان وکالت، به موکل مشاوره داده و از او نمایندگی کند. کد رفتاری دادگاه یوگسلاوی سابق اشاره دارد به اینکه ختم وکالت با فسخ از جانب وکیل یا عزل از جانب دبیرخانه صورت می‌گیرد و مطابق کد رفتاری دادگاه رواندا وکالت با عزل وکیل یا با استعفای وکیل که مورد رضایت دادگاه نیز باشد خاتمه پیدا می‌کند. اما موضوع اصلی در اینجا آن است که حق برخورداری از وکیل که از ابتدای بازجویی آغاز می‌شود تا چه مرحله‌ای از دادرسی ادامه پیدا می‌کند؟ در این خصوص ماده ۱۷ «کد رفتار حرفه‌ای برای وکیل» دیوان کیفری بین‌المللی از صراحت بیشتری برخوردار است. مطابق این ماده وکیل باید تا زمانی که پرونده به‌صورت نهایی در دادگاه تصمیم‌گیری شود اقدام به ارائه مشاوره و اعمال نمایندگی از جانب موکل بنماید و وکالت شامل تجدیدنظرخواهی‌ها هم خواهد شد. اشاره به «تجدیدنظرخواهی‌ها»^۱ به‌جای «تجدیدنظرخواهی»^۲ می‌تواند دلالت بر این امر داشته باشد که وظیفه وکیل علاوه بر مرحله تجدیدنظرخواهی مقرر به‌موجب مواد ۸۱ الی ۸۳ اساسنامه دیوان، شامل «اعاده دادرسی در محکومیت و مجازات»^۳ (ماده ۸۴) نیز خواهد شد و حتی می‌توان با تفسیر به نفع متهم و در راستای دادرسی عادلانه وکیل را موظف به اقدام در مرحله «گرامت شخص توقیف‌شده یا محکومیت‌یافته»^۴ مقرر در ماده ۸۵ اساسنامه و «تجدیدنظرخواهی دیوان در مورد تخفیف مجازات»^۵ مقرر در ماده ۱۱۰ اساسنامه نیز دانست.

۴- مصادیق حق برخورداری از وکیل

حق برخورداری از وکیل، یک حق بسیط نبوده و خود متشکل از مصادیق مختلف است. به تعبیر دیگر، برای اینکه شخصی به‌صورت کامل از حق خود مبنی بر داشتن

^۱. appeals

^۲. appeal

^۳. revision of conviction or sentence

^۴. compensation to an arrested or convicted person

^۵. review by the court concerning reduction of sentence

وکیل برخوردار باشد لازم است که شخص از همگی این حقوق برخوردار شود. امروزه از یک سو حق برخورداری از وکیل در سطح ملی منحصر به مرحله دادرسی نبوده و علاوه بر آن شامل مرحله تحقیقات مقدماتی و حتی مرحله تحقیقات پلیسی نیز می‌شود. از سوی دیگر علاوه بر اینکه شخص باید از این حق برخوردار باشد، مقامات پلیسی و قضایی مکلف به اعلام این حق به مظنون یا متهم هستند. از جنبه دیگر، حق برخورداری از وکیل، نه صرف یک حق صوری بلکه یک حق اساسی است که هدف و غایت آن، حفظ منافع متهم و احقاق عدالت در مراجع قضایی است. از این رو علاوه بر اینکه لازم است که شخص وکیل از توانایی‌های فنی و علمی لازم برخوردار باشد باید امکانات مناسب برای تمهید دفاعیه مناسب نیز برای او فراهم شود. در این راستا موکل باید بتواند آزادانه و به صورت مخفیانه با وکیل خود ملاقات نموده و مشورت‌های لازم را بنماید. در صورتی هم که مظنون یا متهم، توانایی مالی کافی برای انتخاب وکیل نداشته باشد باید زمینه مناسب برای انتخاب وکیل رایگان برای او فراهم شود. در ادامه به برخی از مصادیق و جنبه‌های مهم حق برخورداری از وکیل در اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اشاره می‌شود.

۱-۴- انتخاب آزادانه وکیل

برای اینکه موکل بتواند به وکیل خود اعتماد داشته و بتواند با همکاری وکیل خود، دفاع کارآمدی ارائه دهد، لازم است که وکیل را خود او انتخاب کند یا در صورت تعیین وکیل از سوی مراجع قضایی، بتواند به وکیل تعیین شده اعتراض نموده یا او را عزل نماید. البته آن گونه که در مباحث قبلی نیز اشاره شد این امر منافاتی با تعیین شرایط و صلاحیت‌هایی برای وکیل انتخابی ندارد. بنابراین در مواردی که خود مظنون یا متهم، وکیل را انتخاب می‌کند باید با رعایت شرایط و صلاحیت‌های مقرر برای وکیل باشد.

بند (د) ماده ۲ قواعد دادرسی دادگاه نورنبرگ به حق متهم در برخورداری از وکیل انتخابی اشاره می‌کند. در صورتی که متهمی از درخواست وکیل خاصی خودداری کند یا وکیل تعیین شده ظرف ۱۰ روز یافت نشده یا در دسترس نباشد دادگاه برای او وکیلی تعیین خواهد کرد مگر آنکه متهم به صورت کتبی اعلام کند که از حق برخورداری از وکیل، انصراف داده است. حق انتخاب آزادانه وکیل در بند (ج) ماده ۹ منشور توکیو نیز تصریح شده بود.

آن گونه که از ظاهر مقررات محاکم نورنبرگ و توکیو برمی‌آید حق انتخاب آزادانه وکیل، شامل وکیل معاضدتی نیز می‌شود. در این خصوص اشاره به یک مورد عملی

می تواند اهمیت این حق را آشکار کند: دادگاه نرنبرگ، دستور آزادی پسر متهم به اسم فرنز فون پاپن^۱ را که یک اسیر نظامی بود، داد به این جهت که او می توانست در دفاع پدرش کمک کند.^۲

حق انتخاب آزادانه وکیل در قسمت (د) بند ۴ ماده ۱۶ و در بند ۳ ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و بند ۳ ماده ۱۷ و قسمت (د) بند ۴ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه رواندا نیز ذکر شده است. اما مسئله اصلی در خصوص حق انتخاب وکیل به موارد تعیین وکیل معاضدتی برمی گردد و سؤال این است که آیا مظنون یا متهم می تواند از دادگاه بخواهد که وکیل خاصی را برای او تعیین کند یا نه؟ براساس رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، حق برخورداری متهم از وکیل انتخابی تنها در جایی است که او دارایی کافی برای پرداخت حق الوکاله به وکیل داشته باشد.^۳ مطابق رأی دیگری، متهم مقصر برای تعیین وکیل معاضدتی، مستحق مشورت نیست.^۴

مطابق مواد ۴۵ قواعد دادرسی و ادله دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا برای تعیین وکیل معاضدتی، دبیرخانه می تواند لیستی از وکلایی را که دارای شرایط مقرر هستند تهیه نموده و انتخاب وکیل برای مظنون یا متهم از بین وکلای این لیست خواهد بود. بنابراین در موارد تعیین وکیل معاضدتی، حق انتخاب آزادانه وکیل، محدود خواهد بود. مطابق بند (د) ماده ۱۱ دستورالعمل تعیین وکیل مدافع دادگاه یوگسلاوی سابق، مظنون یا متهم، حق دارد از لیست دبیرخانه، وکیلی را انتخاب کند. این در حالی است که مطابق دستورالعمل تعیین وکیل مدافع دادگاه رواندا (بند الف ماده ۱۰) خود دبیر از لیستی که قبلاً تهیه شده وکیلی را انتخاب می کند.

در این زمینه به طور کلی باید موازنه بین دو مصلحت را مدنظر قرار داد. از یک سو تأمین دفاع مؤثر متهم به منظور تضمین دادرسی عادلانه و از سوی دیگر استفاده درست و مناسب از منابع دادگاه می بایست مدنظر باشد.^۵ بر اساس این دیدگاه دادگاه رواندا در پرونده *نتاکروتیماننا* گفت که متهم معمولاً باید حق انتخاب از لیست مدیر دادگاه را داشته باشد. البته مدیر تمایلات متهم را ملاحظه خواهد کرد مگر

^۱. Franz von Papen

^۲. Beresford & Lahiouel, ۲۰۰۰, *op cit.* p. ۹۷۴

^۳. X v. United Kingdom, European Court of Human Rights, ۱۹۸۳.

^۴. X v. Federal Republic of Germany, European Court of Human Rights, ۱۹۷۶.

^۵. فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۷، ص ۴۳۸.

آنکه دلایل معقول و معتبری وجود داشته باشد. شعبه همچنین اعلام کرد که در این خصوص باید منابع دادگاه، صلاحیت و تجربه وکیل، توزیع جغرافیایی و موازنه نظام‌های حقوقی اصلی دنیا در گزینش داوطلبان، صرف‌نظر از سن، جنس، نژاد یا تابعیت، مدنظر قرار گیرد.^۱

در پرونده *آکایسو* شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا با اشاره به پرونده *نتاکروتیماننا* بیان می‌دارد که در پرتو تفسیر مقررات اساسنامه دادگاه و قواعد و آرای مربوط به حق انتخاب وکیل در نزد کمیته حقوق بشر و ارگان‌های استراسبورگ، نتیجه می‌گیرد که حق معاضدت حقوقی رایگان، حق انتخاب وکیل را اعطا نمی‌کند و حق انتخاب وکیل برای متهمی است که توانایی پرداخت حق‌الوکاله وکیل را دارد.^۲

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در قسمت (ج) بند ۲ ماده ۲۱ قواعد دادرسی و ادله دیوان به‌صورت صریح اعلام شده که هر شخص می‌تواند آزادانه مشاور خود را از میان فهرست تهیه‌شده توسط رئیس دبیرخانه یا مشاورین دیگری که خارج از فهرست رئیس دبیرخانه بوده اما واجد صلاحیت‌های لازم برای این امر هستند انتخاب کند و برای این منظور، درخواست کند که نام وی در فهرست وکلای گنجانده شود. بنابراین مظنون یا متهم، این حق را خواهد داشت که حتی خارج از فهرست وکلای واجد شرایط تهیه‌شده توسط رئیس دبیرخانه، اقدام به انتخاب وکیل نماید.

۲-۴- حق برخورداری از وکیل معاضدتی

حق برخورداری از معاضدت قضایی رایگان در صورت عدم تمکن مالی، از دیگر حقوق پیش‌بینی‌شده برای متهم است. در واقع عدم تمکن مالی نباید مبنایی برای محرومیت متهم از حق برخورداری از وکیل و به تبع آن دادرسی منصفانه و مبتنی بر تساوی سلاح‌ها باشد. البته این حق مطلق نیست و آن گونه که ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) مطرح کرده، این حق مقید به مطابقت با «منافع عدالت»^۳ است و به تعبیر دیگر، در صورتی برای مراجع قضایی تکلیف تعیین وکیل وجود خواهد داشت که اقتضای عدالت، چنین امری را طلب کند. تعیین اینکه آیا اجرای عدالت، چنین امری را ایجاب می‌کند به شدت جرم و

^۱. Prosecutor v. Nyiramasuhuko and Ntahobali, International Criminal Tribunal for Rwanda, ۱۳ March ۱۹۹۸, Para ۶۱.

^۲. Prosecutor v. Jean – Paul Akayesu, International Criminal Tribunal for Rwanda, ۱ June ۲۰۰۱, para ۶۱.

^۳. interests of justice

مجازات احتمالی بستگی دارد.^۱ به نظر می‌رسد علاوه بر دو عامل جرم و مجازات باید عوامل دیگری چون پیچیدگی پرونده، پیچیدگی فرایند دادرسی، وضعیت و توانایی - های متهم و... نیز مدنظر قرار گیرد.

تعیین وکیل معاضدتی علی‌الاصول فرع بر درخواست متهم است. البته در راستای تضمین حق متهم لازم است که این حق به او اطلاع داده شود چرا که ممکن است متهم از این حق خود، آگاه نباشد. آن گونه که در ضمن مباحث گذشته اشاره شد حق برخورداری از وکیل معاضدتی در کنار حق برخورداری از وکیل انتخابی در تمامی محاکم بین‌المللی مدنظر بوده است. اما نکته حائز اهمیت آن است که باتوجه به اهمیت و پیچیدگی محاکمات کیفری بین‌المللی در مواردی که متهم وکیل معاضدتی تعیین ننموده و حتی در مواردی که به صورت کتبی از حق برخورداری از وکیل انصراف داده است در راستای منافع عدالت ممکن است که برای او وکیلی تعیین شود. این امر از همان ابتدا در منشور محکمه نورنبرگ پیش‌بینی شد. در بند (ج) ماده ۹ منشور نورنبرگ آمده بود که در صورتی که متهم، درخواستی برای وکیل ننموده باشد یا در صورتی که تعیین وکیل برای تأمین «دادرسی منصفانه» ضروری باشد دادگاه اقدام به تعیین وکیل خواهد نمود. در ماده ۱۰ مکرر دستورالعمل تعیین وکیل مدافع دادگاه یوگسلاوی سابق و در بند (ج) ماده ۱۰ دستورالعمل تعیین وکیل دادگاه رواندا تصریح شده است که اگر مظنون یا متهم، درخواست تعیین وکیل بنماید اما در راستای احراز اعسارش همکاری لازم را ننماید یا درخواستی برای تعیین وکیل ارائه ننموده باشد یا حتی در موردی که به صورت کتبی اعلام کند که قصد دارد خودش به شخصه دفاع کند، دبیرخانه ممکن است در راستای منافع عدالت، اقدام به تعیین وکیل برای او بنماید. از چنین وکیلی تعبیر به «یاور دادگاه»^۲ می‌شود. یاور دادگاه به مفهوم سنتی آن معمولاً به مطالب محرمانه دسترسی ندارد؛ مجاز به پرسش از شهود نیست و در تمام مراحل دادرسی از آغاز تا انجام آن دخالت نمی‌کند بلکه معمولاً شبیه یک کارشناس برای مدت محدودی و شاید حتی در یک جلسه شرکت می‌کند.^۳ البته در رویه عملی دادگاه‌های یوگسلاوی سابق، یاور دادگاه، نقشی فراتر از نقش سنتی را بر عهده گرفته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت وکیل مدافع عملی متهم است، با این تفاوت که متهم به او دستور نمی‌دهد و به او اعتماد نمی‌کند. از این‌رو یاور دادگاه در انجام وظایف خود با

^۱. سازمان عفو بین‌الملل، همان، ص ۶۰.

^۲. amici curiae

^۳. فضایی، همان، ص ۴۲۸.

دشواری روبه‌رو است. استفاده از یاور دادگاه را با توسعه در نقش سنتی آن، باید با نگاه به اهمیت، حساسیت و ویژگی‌های محاکمات کیفری بین‌المللی توجیه کرد.^۱ این رویه توسط دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد عمل واقع شده است و علاوه بر اینکه در مقررات مربوط به آن، محدودیت‌هایی را برای یاوران دادگاه، پیش‌بینی نکرده است به تصریح ماده ۱ کد رفتار حرفه‌ای این دیوان، این کد شامل یاوران دادگاه نیز خواهد بود. در اینجا مناسب است مختصری هم به فرایند تعیین وکیل معاضدتی اشاره شود. این امر به تفصیل در دستورالعمل‌های تعیین وکیل مدافع دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا مطرح شده است، اما نکته اساسی که از بررسی این دستورالعمل‌ها به دست می‌آید آن است که این فرایند و مقررات حاکم بر آن به‌نحوی است که زمینه را برای رعایت حداکثری حقوق مظنون یا متهم فراهم کند. تشریفات تعیین وکیل معاضدتی در ماده ۷ به بعد دستورالعمل تعیین وکیل مدافع دادگاه یوگسلاوی سابق و ماده ۵ دستورالعمل تعیین وکیل مدافع دادگاه رواندا پیش‌بینی شده است که تا حد زیادی مشابه یکدیگر هستند. برای تعیین وکیل معاضدتی، متقاضی باید درخواستی به دبیر دادگاه تقدیم کند و فهرستی از دارایی‌های خود را نیز ارائه دهد. بار اثبات اعسار بر عهده متقاضی است. البته به‌نظر می‌آید در جهت رعایت حقوق دفاعی متهم، اثبات نه به معنای قطعی یا بدون شک و شبهه معقول، بلکه به این معنا باشد که اثبات احتمال معسر بودن، بیشتر از احتمال مقابل آن است. از سوی دیگر در این راستا باید شک و شبهه به نفع متقاضی تفسیر شود. به‌رحال دبیرخانه دادگاه می‌تواند برای احراز صحت ادعای متقاضی تحقیقات لازم را انجام دهد.

مطابق ماده ۱۰ دستورالعمل دادگاه یوگسلاوی سابق، دبیر برای تعیین حدود توانایی متقاضی در پرداخت حق‌الوکاله وکیل، همه انواع دارایی‌هایی را که مظنون یا متهم به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بهره می‌برد یا به‌صورت رایگان خرج می‌کند، در نظر می‌گیرد. در این راستا دبیرخانه درآمد مستقیم، حساب‌های بانکی، دارایی شخصی، مستمری‌ها، سهام، اسناد و ترکه را بررسی می‌کند. البته بررسی منحصر به این موارد نیست و دبیر می‌تواند موارد دیگر را بررسی کند. در این ارزیابی منافع خانوادگی و اجتماعی متقاضی محاسبه نمی‌شود. همچنین اگر متعارف باشد دارایی همسر متقاضی یا کسی که متقاضی معمولاً با او زندگی می‌کند نیز محاسبه خواهد شد. در بند (ب) ماده ۶ دستورالعمل دادگاه رواندا در خصوص احتساب دارایی

۱. پیشین.

همسر و کسی که متقاضی معمولاً با او زندگی می‌کند قید «اگر متعارف باشد» وجود ندارد. لذا در احتساب دارایی متقاضی باید به صورت مطلق، دارایی همسر و کسانی را که معمولاً با متهم یا مظنون زندگی می‌کنند، محاسبه کرد که این امر محل اشکال است و بهتر آن است که قید موجود در دستورالعمل دادگاه یوگسلاوی سابق در دستورالعمل دادگاه رواندا نیز ذکر شود.

با بررسی دارایی مظنون یا متهم، دبیرخانه دادگاه‌ها در مورد اینکه آیا متقاضی مستحق برخورداری از وکیل معاضدتی هست یا نه و نیز اگر متقاضی از تمکن نسبی برخوردار باشد قسمتی از حق الوکاله را که متقاضی باید پرداخت کند، مشخص می‌کند. این تصمیم باید مدلل بوده و به متقاضی ابلاغ شود و مظنون یا متهم نیز می‌تواند در صورت رد ادعای اعسار یا در مورد مقدار حق الوکاله، اعتراض کند.

۳-۴- حق ارتباط محرمانه با وکیل

برای اینکه وکیل بتواند به نحو احسن وظیفه خود را در قبال حمایت از منافع موکل انجام دهد لازم است که موکل به وکیل خود اعتماد نموده و اطلاعات مورد نیاز را در اختیار وکیل قرار دهد. این امر از یک سو مستلزم آن است که وکیل موظف به حفظ اسرار و اطلاعاتی باشد که موکل در اختیار او قرار می‌دهد و از سوی دیگر مقامات قضایی نیز مکلف باشند که زمینه را برای ملاقات محرمانه وکیل و موکل فراهم نمایند.

حق ارتباط محرمانه به این معنی است که نباید ارتباط بین وکیل و موکل قطع یا از آن جلوگیری شود یا اینکه گفتگوهای کتبی یا شفاهی (از جمله، مکالمات تلفنی) بین متهم و وکیل سانسور شود. البته برای تضمین محرمانگی، با لحاظ ضروریات امنیتی، استانداردهای بین‌المللی تصریح می‌کنند که مشاوره ممکن است در مقابل دید مقامات صورت گیرد اما نه در معرض استماع آن‌ها.^۱ همچنین باید وکیل مدافع مجاز باشد که همیشه و با رعایت ضوابط اداری با موکل خود ملاقات کند. حتی اگر قاضی تحقیق، متهم را ممنوع‌الملاقات کرده باشد این محدودیت نمی‌تواند ناظر به وکیل متهم باشد.^۲ حق ارتباط با وکیل از این منظر در مقررات مربوط به دادگاه‌های بین‌المللی مورد توجه واقع نشده است. شاید بتوان این امر را ناشی از بداهت این امر دانست ولی از منظر تکلیف وکیل به حفظ اسرار حرفه‌ای مقررات ویژه‌ای وضع شده است.

^۱. سازمان عفو بین‌الملل، همان، ص ۶۵.

^۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، سمت، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰.

مطابق کدهای رفتاری وکلای دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی به تفصیل به تکلیف وکیل در حفظ اسرار حرفه‌ای تأکید شده است. البته آن گونه که مطرح شده است حفظ اسرار حرفه‌ای وسیله‌ای برای حمایت از حقوق شخصی متهم است اما حفظ حقوق شخصی تنها یکی از منافع است که باید در توازن با منافع دیگر به کار رود. موکل تا زمانی می‌تواند حفظ اسرار شخصی را بخواهد که با مصالح بزرگتر جامعه یا شخص دیگر در تعارض نباشد.^۱ از این رو مطابق موارد ۸ کدهای رفتار حرفه‌ای مربوط به دادگاه رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۱۳ کد رفتاری مربوط به دادگاه یوگسلاوی سابق، استثنائاتی برای وکیل در وظیفه حفظ اسرار حرفه‌ای ذکر شده است. از جمله مطابق بندهای (ب) و (ج) کد رفتاری مربوط به دادگاه یوگسلاوی سابق در مواردی مثل اینکه خود موکل، رضایت به افشای اطلاعات داشته باشد یا در مواردی وکیل با باور متعارف برای پیشگیری از رفتاری که ممکن است منتهی به ارتکاب جرمی در صلاحیت این دادگاه یا منتهی به مرگ یا صدمه جسمی مهم دیگری شود می‌تواند اطلاعات را افشا نماید.

به‌رحال باید با مشخص کردن دقیق مواردی که وکیل می‌تواند یا باید اسرار حرفه‌ای را افشا نماید، زمینه را برای ایجاد اعتماد بین وکیل و موکل و در نتیجه فراهم شدن زمینه مناسب برای ارائه دفاع کارآمد توسط وکیل فراهم کرد.

۴-۴- فراهم کردن امکانات مناسب برای دفاع وکیل

برای اینکه وکیل بتواند با آگاهی به همه جوانب امر، نسبت به دفاع کارآمد اقدام نماید باید مقامات قضایی با وکیل همکاری نموده و اطلاعات موجود در پرونده را در اختیار وی قرار دهند. در نظام‌های حقوق ملی که مبتنی بر نظام دادرسی مختلط بوده و مرحله تحقیقات مقدماتی تابع مقررات نظام تفتیشی است نیز به مرور از خصیصه تفتیشی بودن آن کاسته شده و در راستای دادرسی منصفانه‌تر، سعی بر گسترش اختیارات وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و از جمله دسترسی وکیل به پرونده است.

در محاکمات کیفری بین‌المللی با توجه به پیچیدگی‌های آن و لزوم دستیابی به اطلاعات تخصصی، عموماً وکیل به‌تنهایی نمی‌تواند از عهده انجام تکالیف خود برآید.

^۱. Afifi, Abdelrahman, On the Scope of Professional Secret and Confidentiality: The International Criminal Court Code of Professional Conduct and the Lawyer's Dilemma, *Leiden Journal of International law*, ۲۰۰۷, ۲۰, p.۴۷۱.

از این‌رو در مقررات مربوط به محاکمات کیفری بین‌المللی مقرراتی در راستای پشتیبانی از وکیل پیش‌بینی شده است. در این راستا از همان ابتدا در قواعد دادرسی دادگاه نورنبرگ طبق بند (د) ماده ۲ با رعایت شرایطی امکان برخورداری از دو وکیل برای متهم فراهم شده بود. در دادگاه‌های بعدی نیز امکان برخورداری از وکیل همکار فراهم شد ولی به‌رحال مسئولیت اصلی دفاع، با وکیل اصلی است. با این‌حال در بند (د) ماده ۱۶ دستورالعمل تعیین وکیل مدافع دادگاه یوگسلاوی سابق، امری فراتر از آن پیش‌بینی شده است. براین‌اساس در صورت درخواست وکیل اصلی ممکن است دبیرخانه، اشخاصی چون معاون حقوقی، مشاور، مأمور تحقیق و مترجم را برای پشتیبانی وکیل تعیین نماید. لزوم پشتیبانی از وکیل در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی نیز تصریح شده است. در همین راستا مطابق قسمت (ب) بند ۱ ماده ۲۰ آیین دادرسی و ادله این دیوان، دبیرخانه دیوان مکلف به پشتیبانی، مساعدت و اطلاع‌رسانی به وکلایی است که در دیوان حاضر می‌شوند.

نتیجه

جنایت‌های ارتكابی در اواسط قرن بیستم و بالاخص در جنگ جهانی دوم، از یک سو زمینه را برای طرح حقوق بشر در سطح بین‌المللی و الزام دولت‌ها به تبعیت از آن موجب شد و از سوی دیگر، اندیشه مجازات مرتکبین جرایم بین‌المللی را که البته پیش‌تر از آن نیز مطرح شده بود، از نو مطرح کرد و این امر با تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو جامه عمل پوشید. بنابراین می‌توان گفت که بین مقررات حقوق بشری و مقررات مربوط به محاکمات کیفری بین‌المللی، تقارن زمانی قابل درک وجود دارد.

محاکمات کیفری بین‌المللی به جهت اختلاط آن با سیاست حاکم بر روابط بین‌المللی از حیث مشروعیت در مظان اتهام است. از این رو رعایت مقررات مربوط به حقوق بشر و از جمله حق برخورداری متهم از وکیل و ارائه دفاع کارآمد از متهم می‌تواند مانع از به‌زیرسؤال رفتن تلاش‌های بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران بین‌المللی شود. حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی به لحاظ پیچیدگی‌های حقوقی و عملی حاکم بر جرایم بین‌المللی و محاکمات آن‌ها نیز قابل تأکید است. از این منظر، حق برخورداری از وکیل، نه تنها گامی در راستای حفظ حقوق مظنون یا متهم، بلکه درعین حال، گامی در راستای تحقق عدالت و حفظ مشروعیت این محاکمات تلقی می‌شود. تعیین وکیل از سوی دادگاه برای مظنون یا متهم، در مواردی که خود او اقدام به اختیار وکیل نکرده و با وجود اطلاع از این حق، درخواستی هم برای تعیین وکیل معاضدتی ننموده باشد و حتی در مواردی که مظنون یا متهم، به‌صورت کتبی از حق خود انصراف داده باشد در مواردی که اقتضای منافع عدالت باشد خود گواه این امر است.

حق برخورداری از وکیل از همان ابتدا در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو به رسمیت شناخته شده و بعدها با تشکیل دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد تأیید واقع شد. هرچند در وادی عمل در برخی از موارد، نقض این حق مشاهده شده است و در برخی موارد نیز مقررات مربوط به این دادگاه‌ها از وضوح کافی برخوردار نیست، مقررات به‌کاررفته در خصوص حق برخورداری از وکیل و حقوق فرعی ناشی از آن در محاکمات کیفری بین‌المللی کم‌وبیش با ضوابط حقوق بشری سازگار است و این امر می‌تواند مقررات مربوط به این محاکم را به‌عنوان الگویی برای اقتباس توسط نظام‌های حقوق کیفری ملی در جهت نزدیک‌تر شدن به ضوابط دادرسی عادلانه مطرح کند.

فهرست منابع

فارسی

- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، سمت، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۸.
- آشوری، محمد، عدالت کیفری، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶.
- بی‌نام، تحولات نود ساله وکالت دادگستری در ایران، نشر کشاورز، تهران، ۱۳۸۰.
- جعفری، فریدون، نقش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در جهانی‌سازی حقوق کیفری و چالش‌های آن، رساله دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- زاپالا، سالواتور، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۸۷.
- سازمان عفو بین‌الملل، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه و لیلا اشرفی، میزان، تهران، ۱۳۸۶.
- سرمست بناب، باقر، اصل برائت در حقوق کیفری، دادگستر، تهران، ۱۳۸۷.
- صابر، محمود، نظام دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۷.
- فیوضی، رضا، حقوق بین‌المللی کیفری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران و دیگران، جنگل، ۱۳۸۷.

انگلیسی

- Afifi, Abdelrahman, On the Scope of Professional Secret and Confidentiality: The International Criminal Court Code of Professional Conduct and the Lawyer's Dilemma, *Leidon Journal of International law*, ۲۰, ۲۰۰۷.
- Beresford, Stuart & Lahiouel, Hafida, The Right to be Defend in Person or Through Legal Assistance and International Criminal Court, *Journal of International Law*, ۱۳, ۲۰۰۰.

- Croquet, Nicolas A.J., The International Criminal Court and the Treatment of Defence Rights: A Mirror of the European Court of Human Rights' Jurisprudence, *Human Right Law Review*, ۱۱:۱, ۲۰۱۱.
- Scharf, Michael P, Self Representation Versus Assignment of Defence Counsel Before International Criminal Tribunals, *Journal of International Criminal Justice*, ۴, ۲۰۰۶.

اسناد بین‌المللی

- Charter of the International Military Tribunal at Nuremberg.
- Charter of the International Military Tribunal for the Far East.
- Code of Professional Conduct for Counsel Appearing Before the International Tribunal (International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia).
- Code of Professional Conduct for Defence Counsel (International Criminal Tribunal for Rwanda).
- Code of Professional for Counsel (International Criminal Court).
- Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms.
- Directive on Assignment of Defence Counsel (International Criminal Tribunal for Rwanda).
- Directive on Assignment of Defence Counsel (International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia).
- International Covenant on Civil and Political Rights.
- Nuremberg Trial Proceedings vol ۱, Rules of Procedure.
- Regulations of the Court (International Criminal Court).
- Rules of Procedure and Evidence (International Criminal Court).
- Rules of Procedure and Evidence (International Criminal Tribunal for Rwanda).
- Rules of Procedure and Evidence (International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia).

- Statute of the International Criminal Court.
- Statute of the International Criminal tribunal for Rwanda.
- Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.
- Statute of the International Court of Justice.
- Universal Declaration of Human Rights.
- Vienna Convention on Consular Relations.
- رویه قضایی بین المللی
- Germany v. United States of America, International Court of Justice, ۲۷ June ۲۰۰۱.
- Mexico v. United States of America, International Court of Justice, ۳۱ march ۲۰۰۴.
- Prosecutor v. Jean – Paul Akayesu, International Criminal Tribunal for Rwanda, ۱ June ۲۰۰۱.
- Prosecutor v. Nyiramasuhuko and Ntahobali, International Criminal Tribunal for Rwanda, ۱۳ March ۱۹۹۸.